

فلسفه احکام

نعمت الله یوسفیان

دکترای فقه و اصول

یکی از موضوعاتی که امروزه در میان مردم - به ویژه نسل جوان - کم و بیش مورد سؤال و کند و کاو قرار می‌گیرد، بحث از «فلسفه احکام شرعی» است. منظور از «فلسفه احکام» پرداختن به چرایی احکام شرعی است. بعضی از مسائلی که در این جا مورد سؤال قرار می‌گیرد از این قبیل پرسش‌هاست که: آیا احکام شرعی تابع مصالح و مفاسد واقعی هستند یا خیر؟ به عبارت دیگر، آیا احکام شرعی از فلسفه و حکمتی برخوردار هستند یا خیر؟ به عنوان مثال می‌پرسند: چرا باید نماز خواند؟ چرا باید روزه گرفت؟ به چه علتی رباخواری در اسلام، حرام شده است؟ فلسفه تحریم مشروبات الکلی و گوشت خوک چیست؟ چرا نماز صبح دو رکعت، نماز مغرب سه رکعت و نماز ظهر و عصر و عشاء، چهار رکعت است؟ آیا اصلاً حق داریم در این گونه مسائل پرسش یا تحقیق کنیم؟ این قبیل پرسش‌ها در حوزه فقه، زیاد مطرح می‌شود.

پیش از پرداختن به اصل بحث، تذکر چند نکته لازم است:

۱- انسان در بررسی مسائل دینی به طور عام و مسائل مربوط به حوزه فقه به طور خاص، حق پرسش و تحقیق دارد و در بینش اسلامی کند و کاو در مسائل دینی و تعقل و تفکر در آن مورد تشویق فراوان قرار گرفته است. هیچ مکتبی به





اندازه اسلام به اندیشیدن دعوت نکرده است. علاوه این که از جمله انتقادهای شدید قرآن بر مشرکان و بت پرستان، تقلید کورکورانه و بی دلیل از نیاکان است. بنابراین، انسان، حق سؤال و تحقیق را دارد، ولی نباید سؤال و تحقیق را بهانه‌ای برای شانه خالی کردن از تکالیف الهی قرار دهد.

۲- شایسته است که انسان در برخورد با احکام شرعی از خود محوری پرهیز کند و نگوید: «چون من درک نمی‌کنم و علت حکمی را نمی‌دانم؛ پس آن را قبول ندارم». کسی که خداوند را حکیم و دستورهایش را بر اساس حکمت می‌داند، نباید به خاطر ندانستن دلیل و فلسفه حکم از انجام آن تخلف ورزد.

۳- در فلسفه احکام باید از علم زدگی پرهیز شود و شایسته نیست که انسان در این زمینه به قضاوت‌های روشنفکران علم زده، تکیه کرده، تنها به فواید و آثار مادی آنها توجه کند و از آثار روحی، معنوی و آخرتی آنها غافل شود.

۴- بهتر است در مواردی که انسان از قرآن و حدیث دلیل محکمی بر فلسفه حکمی نیافت، ساکت باشد و با تکیه بر توجیهات و حدسیات، دلیل تراشی نکند.

۵- اگر شخص به واسطه قرآن و روایات یا عقل توانست گوشه‌ای از اسرار احکام را بفهمد، مغرور نشود و توقع نداشته باشد که دلیل همه چیز را بداند؛ چرا که چه بسا دلیل بعضی از احکام با گذشت زمان و پیشرفت دانش بشری روشن می‌شود. همچنین گمان نکنند بر همه اسرار دست یافته است؛ زیرا با عقل محدود بشری نمی‌تواند به عمق احکامی که از علم بی پایان خدا سرچشمه گرفته، پی ببرد.

۶- تسلیم خداوند بودن بالاترین فلسفه برای احکام شرعی است و انسان نباید همیشه منتظر پی بردن به فلسفه احکام باشد و بگوید تا دلیلش را نفهمیم، انجامش نخواهم داد.

با توجه به توضیحات یاد شده، در این نوشتار برآنیم تا سیری گذرا درباره فلسفه احکام داشته باشیم.

تبعیت احکام از مصالح و مفاسد

یکی از مباحث در «فلسفه احکام» این است که آیا احکام الهی تابع مصالح و مفاسد واقعی است یا خیر؟ به تعبیر دیگر، آیا احکام و قوانین اسلامی در عین

آسمانی بودن، زمینی هم هستند و بر اساس مصالح و مفاسد موجود در زندگی بشر وضع شده‌اند و همان مصالح و مفاسد، در واقع، علت یا حکمت آن احکام گردیده است یا خیر؟

در پاسخ می‌گوییم: از دیدگاه فقهای امامیه، احکام شرعی بر اساس مصالح و مفاسد واقعی است و هیچ حکمی را نمی‌توان یافت که در جعل آن، مصلحت یا مفسده‌ای ملاحظه نشده باشد. مرحوم محقق نایینی در این باره می‌فرماید:

راهی برای انکار تبعیت احکام از مصالح و مفاسد در متعلقات آن نیست:

چه این که در افعال، قطع نظر از امر و نهی شارع، مصالح و مفاسدی

نهفته است و همین مصالح و مفاسد در واقع علل و ملاک‌های احکامند.^(۱)

امام خمینی قدس سره نیز در موارد گوناگونی از ابواب فقه به این اصل اشاره

کرده است.^(۲)

منظور از «مصالح» و «مفاسد» اموری است که قوام زندگی انسان به آنها بستگی دارد و در زندگی بشر موجود است و شارع مقدس در وضع احکام و قوانین خود به آنها عنایت داشته است. این مصالح و مفاسد اموری است که به جسم، روح، اخلاق، روابط اجتماعی انسان و مانند آن مربوط می‌شود؛ اگر انسان این احکام و قوانین الهی را در زندگی مراعات کند در واقع از جان، مال، عقل، دین و نسل خود، ضرر را دفع کرده و منافع مربوط به این امور را برای زندگی خودش جلب کرده است. از این رو مصالح واقعی که خداوند در جعل احکام آنها را مراعات کرده چیزهایی است که به برپایی زندگی انسان منجر می‌شود و از انهدام و نابودی آن جلوگیری می‌کند و از طرفی نیز به سود زندگی آخری او است. چنان که در تعریف مصلحت آمده است:

«مصلحت» عبارت است از آنچه که بر عملی بار می‌شود و سبب درستی آن

می‌گردد... و کارهایی که انسان برای سود بردن انجام می‌هد، مصلحت

نامیده می‌شود.^(۳)

از سخنان غزالی نیز درباره مصلحت چنین استفاده می‌شود:

مصلحت در اصل، عبارت از جلب منفعت یا دفع ضرر است و مقصود

شارع حمایت از دین، جان، مال، عقل و نسل انسان است و هر چه



حمایت از این پنج چیز است، مصلحت نامیده می‌شود.^(۴)

رعایت مصالح و مفاسد در وضع احکام شرعی بدین معنا نیست که در همه موارد، مصلحت یکایک افراد جامعه ملاحظه شده باشد، بلکه بدین معنا است که در بسیاری از موارد مصالح جمع و امت اسلامی لحاظ شده است، هر چند که به ظاهر به ضرر برخی افراد باشد. به عنوان مثال احکام جزایی اسلام که بر اساس مصلحت امت اسلامی وضع گردیده است در ظاهر برای برخی افراد ضرر دارد. بنابراین، احکام شرعی بر اساس مصالح و مفاسد واقعی جعل شده‌اند و دارای فلسفه و حکمت‌های گوناگونی هستند و هیچ حکمی در اسلام، بدون فلسفه و حکمت، حلال و حرام نمی‌گردد.

در روایات اهل بیت (ع) نیز به این اصل اشاره شده و وضع احکام شرعی بر اساس مصالح و مفاسد واقعی دانسته شده است. جمیل بن درّاج می‌گوید: از امام صادق (ع) درباره کارهای حلال و حرام پرسیدم که آیا فلسفه‌ای دارد؟ حضرت پاسخ داد:

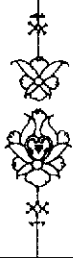
«إِنَّهُ لَمْ يُجْعَلْ شَيْءٌ إِلَّا لَشَيْءٍ»^(۵)

هیچ حکمی بدون علت و فلسفه وضع نشده است.

امام رضا علیه السلام نیز درباره کسی که توهم کند خداوند چیزی را به خاطر مصلحت یا مفسده واقعی حلال یا حرام نگردانیده است، بلکه فقط خواسته است بدان وسیله مردم را به تعبد وادارد، فرمود: کسی که چنان بگوید از واقعیت بسیار دور شده و زیانی آشکار کرده است. سرانجام به عنوان قاعده‌ای کلی فرمود:

«إِنَّا وَجَدْنَا كُلَّ مَا أَحَلَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِيهِ صَلَاحُ الْعِبَادِ وَبَقَائِهِمْ وَ لَهُمْ إِلَيْهِ الْحَاجَةُ الَّتِي لَا يَسْتَعْتُونَ عَنْهَا وَ وَجَدْنَا الْمُحْرَمَ مِنَ الْأَشْيَاءِ لَا حَاجَةَ لِلْعِبَادِ إِلَيْهِ وَجَدْنَا مُفْسِدًا دَاعِيًا إِلَى الْفَنَاءِ وَ الْهَلَاكِ»^(۶)

ما چنین یافتیم [و عقیده داریم که] هر چه را خداوند حلال کرده است، مصلحت بندگان و بقای آنان بدان بستگی دارد و بندگان به آنها نیازمندند و هر چه را حرام کرده است فساد و هلاکت بندگان در آن است و از آنها بی‌نیازند.



راه‌های کشف مصالح و مفساد

مطلب دیگر در فلسفه احکام این است که از چه راه‌هایی می‌توان به مصالح و مفساد و فلسفه احکام شرعی پی برد؟

قبل از پاسخ‌گویی تذکر دو نکته لازم است:

۱- بدیهی است که فطرت انسان به فلسفه برخی احکام واقف است. هر کس در هر شرایط و زمانی فلسفه و سرّ زشتی و حرام بودن دروغ، خیانت، تهمت، آدم‌کشی، دزدی، ستم و مانند آن را می‌یابد و نیز خوبی عدالت، پاکی، خدمت به دیگران، نیکی به پدر و مادر را می‌داند. چنان که قرآن کریم پس از یازده قسم به الهام نفس اشاره کرده، می‌فرماید:

«فَأَلَّهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا»^(۷)

سپس فجور و تقوا (شر و خیرش) را به او الهام کرده است.

۲- پیشرفت علوم در رشته‌های مختلف نیز خدماتی به بینش فلسفه احکام کرده و مجهولات بسیاری را روشن کرده است به عنوان نمونه طبق تحقیقات به عمل آمده، وجود کرم کدو و تریشین در گوشت خوک و زیان‌های مواد الکلی برای کبد و بدن انسان، گوشه‌ای از فلسفه تحریم گوشت خوک و شراب را مشخص کرده است.^(۸)

اینک در پاسخ به پرسش مربوط به راه‌های کشف مصالح و مفساد می‌گوییم: مصالح و مفساد و فلسفه احکام شرعی را از سه راه «قرآن»، «روایات»، و «عقل» می‌توان به دست آورد که توضیح آن به شرح زیر است:

الف - قرآن

در قرآن کریم مکرر می‌بینیم که خداوند متعال ضمن بیان یک حکم به فایده و اثر آن نیز اشاره می‌کند. نمونه‌هایی از آیات قرآنی که به فلسفه احکام اشاره دارد، عبارتند از:

۱- قرآن کریم فلسفه بزرگ نماز را این‌گونه بیان کرده است:

«إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ»^(۹)



نماز را بر پا دار که نماز (انسان را) از زشتی‌ها و گناه باز می‌دارد و یاد خدا

بزرگ‌تر است و خداوند آنچه را انجام می‌دهید می‌داند.

در این آیه شریفه به دو فلسفه نماز اشاره شده که اولی بازداشتن نماز از زشتی‌ها و منکرات است و دومی ذکر خداوند است. بر اساس این آیه، دومی مهم‌تر از اولی شمرده شده است. چنان که در جای دیگر می‌فرماید:

«وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»^(۱۰)

نماز را برای یاد من بپا دار.

۲- درباره فلسفه روزه می‌فرماید:

«... كَتَبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامَ كَمَا كَتَبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»^(۱۱)

روزه بر شما نوشته شده، همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد تا پرهیزگار شوید.

که فلسفه روزه دستیابی به تقوا معرفی شده است.

۳- فلسفه قصاص را حیات اجتماعی معرفی کرده، می‌فرماید:

«وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ...»^(۱۲)

و برای شما در قصاص، حیات و زندگی است ای صاحبان خرد.

۴- فلسفه حرمت شراب و قمار را ایجاد دشمنی و کینه و دوری از یاد خداوند

معرفی کرده، می‌فرماید:

«إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَ يُصَدِّكُمْ عَنِ الذِّكْرِ اللَّهِ وَ عَنِ الصَّلَاةِ...»^(۱۳)

شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه

ایجاد کند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد.

ب- روایات

بخشی از روایات، علل و فلسفه احکام شرعی را توضیح می‌دهند. کتاب معروف «عَلَلُ الشَّرَائِعِ» تألیف مرحوم شیخ صدوق، مجموعه‌ای از این گونه روایات است. از انبوه روایات، تنها به گفتاری از حضرت علی علیه السلام که به فلسفه و حکمت بیست حکم الهی پرداخته بسنده می‌کنیم که فرمود:

خدا «ایمان» را برای پاکسازی دل از شرک، «نماز» را برای پاک بودن از



کبر و خود پسندی، «زکات» را عامل فزونی روزی، «روزه» را برای آزمودن اخلاص بندگان «حج» را برای نزدیکی و همبستگی مسلمانان، «جهاد» را برای عزت اسلام، «امر به معروف» را برای اصلاح توده‌های ناآگاه، «نهی از منکر» را برای باز داشتن بی خردان از زشتی‌ها، «صله رحم» را برای فراوانی خویشاوندان، «قصاص» را برای پاسداری از خون‌ها، «اجرای حدود» را برای بزرگداشت محرمات الهی، «ترک شراب خوری» را برای سلامت عقل، «دوری از دزدی» را برای تحقق عفت، «ترک زنا» را برای سلامت نسل آدمی، «ترک لواط» را برای فزونی فرزندان، «گواهی دادن» را برای به دست آوردن حقوق انکار شده، «ترک دروغ» را برای حرمت گذاری راستی، «سلام کردن» را برای امنیت از ترس‌ها «امامت» را برای سازمان یافتن امور امت و «فرمانبرداری از امام» را برای بزرگداشت مقام رهبری، واجب کرده است. (۱۴)

ج - عقل

با توجه به این که احکام شرعی تابع مصالح و مفاسد واقعی است و همچنین با اعتقاد به این که عقل انسان - قطع نظر از امر و نهی شارع - توان درک حسن و قبح افعال را دارد، نتیجه می‌گیریم که عقل می‌تواند به مصالح و مفاسد و فلسفه برخی از احکام شرعی پی ببرد. به عنوان مثال، خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها، روابط حقوقی و اقتصادی و مانند آن دارای نوعی صلاح و فساد در ذات خود هستند، خواه برای آنها قانونی وضع شده باشد یا نه؛ و فرمان الهی بر اساس این صلاح و فساد ذاتی است. برای نمونه استعمال مشروبات الکلی و مواد مخدر حتی بدون توجه به حکم شرعی آن، زیانبخش است، یا ربا دامی بزرگ برای استثمار اقتصادی است، یا نیایش به پیشگاه معبود لایزال، صفا بخش و مایه آرامش روحی انسان است، اگر می‌بینیم شراب و ربا حرام شده به خاطر زیانی بوده که داشته است و اگر نماز واجب شده به خاطر سود و مصلحتی است که برای انسان‌ها به ارمغان آورده است. (۱۵)

شهید مطهری در این باره می‌فرماید:

«قوانین اسلامی به اصطلاح امروز در عین این که آسمانی است، زمینی



است؛ یعنی بر اساس مصالح و مفاسد موجود در زندگی بشر است؛ بدین معنا که جنبه مرموز و صددرصد مخفی و رمزی ندارد که بگوید حکم خدا به این حرف‌ها بستگی ندارد، خدا قانون وضع کرده و خودش از رمز آن آگاه است، نه، اسلام اساساً خودش بیان می‌کند که من هر چه قانون وضع کرده‌ام، بر اساس همین مصالحی است که یا به جسم شما مربوط است یا به روح شما، به اخلاق شما، به روابط اجتماعی شما، به همین مسائل مربوط است، یعنی یک امور به اصطلاح مرموزی که عقل بشر هیچ به آن راه نداشته باشد، نیست» (۱۶)

گفتنی است، عقل انسان به طور اجمال امکان درک و دسترسی به مصالح و مفاسد و فلسفه احکام را دارد و قدر مسلم آن ابواب معاملات است. اما دست عقل در باب عبادت به طور کلی یا اغلب بسته است و توان درک مصالح و مفاسد در امور تعبدی را ندارد.

انواع فلسفه احکام

با توجه به بحث راه‌های شناخت فلسفه احکام، می‌توان فلسفه احکام را به انواع زیر تقسیم کرد:

۱- فلسفه‌های روشن

فلسفه بعضی از احکام شرعی از همان آغاز بعثت پیامبر اکرم صلی اله علیه و آله بر همگان آشکار بود و مردم به تناسب فکر و معلومات خود آن را درک می‌کردند؛ مانند زشتی، دروغ، خیانت، تهمت، سرقت و خوبی عدالت، پاکی، نیکی به پدر و مادر و کار و کوشش.

۲- فلسفه‌های احکام در قرآن و روایات

فلسفه پاره‌ای از احکام در قرآن کریم و روایت معصومین (ع) بیان شده است که نمونه‌هایی از آن، پیش از این، ذکر شد.

۳- فلسفه‌های روشن شده

فلسفه بعضی از احکام اسلام از اول، روشن نبود، در قرآن کریم و روایات هم به فلسفه آنها اشاره نشده است، ولی علوم روز کم کم از فلسفه و اسرار آنان پرده



برداشته است. در این باره به کتاب «اولین دانشگاه و آخرین پیامبر» تألیف شهید دکتر سید رضا پاک نژاد می‌توان مراجعه کرد.

۴- فلسفه‌های روشن نشده

آخرین دسته از احکام آنها است که نه از آغاز روشن و بدیهی بوده و نه در لابه لای متون اسلامی به اسرار آن اشاره شده و نه با گذشت زمان (تاکنون) به آن دسترسی یافته‌ایم، مانند فلسفه تعداد رکعات نمازها، حدنصاب اجناس نه گانه زکات و یا بعضی از مناسک حج. (۱۷)

بزرگ‌ترین فلسفه برای احکام

از متون اسلامی استفاده می‌شود که تسلیم خداوند بودن بزرگ‌ترین فلسفه برای احکام شرعی است و خداوند به وسیله آنها، بندگانش را امتحان می‌کند تا معلوم گردد چه کسی مطیع و چه کسی سرکش است؛ بنابراین، کسی که می‌خواهد از عهده امتحان الهی به خوبی برآید لازم است تمام احکام اسلام را به کار ببندد، اگر چه فلسفه و حکمت آن را نداند.

امام رضا علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«وَاعْلَمُوا أَنَّ رَأْسَ طَاعَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ التَّسْلِيمُ لِمَا عَقَلْنَاهُ وَ مَا لَمْ نَعْقَلْهُ فَإِنَّ رَأْسَ الْمَعَاصِي الرَّدُّ عَلَيْهِمْ وَإِنَّمَا امْتَحَنَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ النَّاسَ بِطَاعَتِهِ لِمَا عَقَلُوهُ وَ مَا لَمْ يَعْقِلُوهُ إِجَابًا لِلْحُجَّةِ وَ قَطْعًا لِلشُّبْهِةِ» (۱۸)

آگاه باشید که در رأس طاعت خدا، تسلیم شدن (در برابر) قوانین است که عقل ما آن‌ها را می‌فهمد، یا نمی‌تواند درک کند؛ زیرا رد و انکار دستورات الهی در رأس گناهان است و پروردگار مردم را به اطاعت و بندگی خود با قوانین عقلانی و فوق عقل امتحان می‌کند، تا حجت برای مردم اثبات شود و شبهه از میان آنها رخت بریند.

■ پی‌نوشت‌ها:

۱- فوائد الاصول، میرزا محمد حسین غروی نایینی، تقریر شیخ محمد علی کاظمی



- خراسانی، ج ۳، ص ۵۹.
- ۲- ر.ک. مکاسب محرمه، امام خمینی (ره)، ج ۱، ص ۱۳۶ و ج ۲، ص ۱۳۰، ۲۲۷، ۲۸۲؛ کتاب البیع امام خمینی (ره)، ج ۲، ص ۲۸۲ و ۵۶۶ و ج ۳، ص ۷۸.
- ۳- اقرب الموارد، واژه صلح.
- ۴- ر.ک. المستصفی فی علم الاصول، غزالی، ج ۱، ص ۲۸۶ - ۲۸۷.
- ۵- بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۱۰.
- ۶- علل الشرایع، شیخ صدوق (ره)، ج ۱، ص ۹۳.
- ۷- شمس (۹۱)، آیه ۸.
- ۸- ر.ک. پرتوی از اسرار نماز، محسن قرائتی، ص ۷۲، چاپ اول سال ۱۳۶۹.
- ۹- عنکبوت (۲۹)، آیه ۴۵.
- ۱۰- طه (۲۰)، آیه ۱۴.
- ۱۱- بقره (۲)، آیه ۱۸۳.
- ۱۲- بقره (۲)، آیه ۱۷۹.
- ۱۳- مائده (۵)، آیه ۹۱.
- ۱۴- نهج البلاغه، فیض الاسلام، حکمت ۲۴۴، ص ۱۱۹۷ (ترجمه از نهج البلاغه محمد دشتی).
- ۱۵- ر.ک. شناخت اسلام، تألیف سید محمد حسین بهشتی، محمد جواد باهنر، علی گلزاده (غفوری)، ص ۳۸۰، دفتر نشر فرهنگ اسلام.
- ۱۶- اسلام و مقتضیات زمان، شهید مرتضی مطهری، ج ۲، ص ۲۷.
- ۱۷- ر.ک. پاسخ به پرسشهای مذهبی، آیه‌ا. مکارم شیرازی و آیه‌ا. جعفر سبحانی، ص ۲۷۵ - ۲۷۷، نشر مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع): چاپ اول (بعد از تجدیدنظر)، سال ۱۳۷۷.
- ۱۸- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۴۸.

